

البته توجیه اخبار دقت و تضلع عمیق می‌خواهد؛ چنان که رد آن‌ها نیز شهادت برخاسته از آشنایی عمیق با تراث را می‌طلبد.

به هر حال در اخذ، رد، توقف و توجیه (هر کدام مجالاتی دارد) نباید بدون مایه اقدام کرد.

4. وضعیت برزخ

در برخی روایات وارد شده است که محبّ اهل بیت - علیهم السلام - در آخرت نجات (یا : بالاخره نجات) می‌یابد، لکن در برزخ مبتلا به عذاب می‌شود.¹

واضح است که این روایات منافات با گفته ما (عدم صحت تامین از عقاب برای محبّ معصیت کار، پس از مرگ) ندارد و اگر گاه تعبیر به آخرت شده است، منظور مقطع پس از مرگ است.

5. مقایسه‌ای ظریف

قبلا بیان کردیم که روایات مفسر واجبات و محرمات به اشخاص و حبّ و بغض آن‌ها گاه در تراث ما هم وارد شده است. در این مجال موردی ذکر می‌گردد که از همین قبیل می‌نماید و روایتی بیان می‌شود که در نگاه اول شبیه آن می‌نماید، لکن با دقت معلوم می‌گردد که با آن متفاوت است و مفاد آن قابل قبول و موافق قرآن است.

اما حدیث اول :

«عن الشيخ ابی جعفر الطوسی باسناده الی الفضل شاذان، عن داود بن کثیر قال : قلت لابی عبدالله - علیه السلام - : أنتم الصلاة فی کتاب الله عزوجل؟ و أنتم الزکاة؟ [و انتم الصیام؟] وانتم الحج؟ فقال : یا داود! نحن الصلاة فی کتاب الله - عزوجل - و نحن الزکاة و نحن الصیام و نحن الحج «و نحن الشهر الحرام» و نحن البلد الحرام و نحن کعبة الله و نحن قبلة الله و نحن وجه الله، فقال الله تعالی : «فأینما تولوا فثمّ وجه الله». و نحن الآیات و نحن البینات و عدونا فی کتاب الله، الفحشاء و المنکر و البغی و الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام و الاصنام و الاوثان و الجبت و الطاغوت و المیتة و الدم و لحم الخنزیر...»².

گفتنی است که داود بن کثیر به شدت متهم به غلو است.

البته روایت را جناب بحرانی به داود بن فرقد نسبت داده است که وضعیت بهتری نسبت به داود بن کثیر دارد.

1. ر.ک : بحار الانوار، ج 68، ص 115، ح 36؛ ص 114، ح 33؛ ص 119 و 200؛ ج 67، ص 237، ج 6، ص 157؛ و...
2. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 1، ص 4 و 5.

و منبعی هم که نقل می‌کند مثل منبع مرحوم مشهدی از شیخ طوسی است، لکن به مصدر اصلی (شیخ طوسی) نه مشهدی آدرس داده است و نه بحرانی تا به وضعیت نسبت پی ببریم. در جستجو از برخی نرم افزارها هم چنین حدیثی در کتاب‌های شیخ طوسی دیده نشد!

روایت دوم از فضل بن شاذان است با این عبارت (با واسطه) :

«عن ابی عبدالله - علیه السلام - انه قال : نحن اصل کل برّ و من فروعنا کل بر و من البر التوحید و الصلوة و الصیام و کظم الغیظ و العفو عن المسیء و رحمة الفقیر و تعاهد الجار و الاقرار بالفضل و اهله و عدونا اصل کل شر و من فروعهم کل قبیح و فاحشة فهم الکذب و النميمة و البخل و القطیعة و اکل الربا و اکل مال الیتیم بغیر حق و تعدی الحدود الی امر الله عزوجل و رکوب الفواحش ما ظهر منها و بطن من الزنا و السرقة و کلما ذکر من القبیح و الکذب فهو متعلق بفرع غیرنا»³.

در این روایت اهل بیت - علیهم السلام - اصل و بن حقایق و خیرات و واجبات؛ و دشمنان اهل بیت - علیهم السلام - در نقطه مقابل قرار گرفته‌اند. بدون این که واجبی جایز‌الترک یا حرامی مباح قلمداد گردیده باشد. و این مفاد، صحیح و مدلول نصوص معتبر است.

6. روایات من بلغ

گاه توهم می‌شود که روایات من بلغ مصحح قبول و نقل روایاتی است که در تحقیق فوق عرصه بر آن تنگ شد.

واضح است که بر فرض پذیرش اخبار من بلغ، این اخبار سخت‌گیری در اسناد روایات مبین ثواب‌ها (و احیاناً فتوا به مستحب بودن آن‌ها)⁴ را رد می‌کند و فهمنده نص را دعوت به تسهیل در این امر می‌نماید؛ لکن این امر ربطی به تصحیح مفاد روایاتی که مشکل دلالتی دارند، ندارد! روایاتی که در تحقیق فوق عرصه بر آن‌ها تنگ گردید، فارغ از اعتبار سند یا عدم اعتبار سند آنها، مشکل دلالتی داشت و اخبار من بلغ از این جهت هیچ دلالتی ندارند.

بحث را در این مسأله، در حالی تمام‌شده، تلقی می‌کنیم که مجال گفتگوهای بیشتر در فروع مختلف آن وجود دارد. آن‌ها را به دیگران وا می‌گذاریم.

آن چه تاکنون بیان گردید⁵ بررسی موردی (یک دلیل یا چند دلیل) ادله بود. در مجال آتی از مفاد مجموعه نصوص موسوم به «اخبار علاجیه» (بررسی سیستمی و مجموعی) گفتگو خواهیم کرد.

3. همان، ص 23.

4. البته به نظر ما این برداشت از اخبار من بلغ صحیح نیست.

5. از ص 1609 (= 3117) تاکنون.